

گازیارگاه و خدابان

طبقات الصوفیه از امالی خواجه عبدالله انصاری پیر هرات، کتاب معتبر و نفیس زبان دری و لهجه هروی است که اکنون طبع و نشر شده و از نسخ خطی آن هم فقط چهار نسخه سراغ داریم که یکی از کلکته و سه تای آن در تورکیه است و نویسنده حروف موافق شده ام که متن این کتاب نفیس افغانستان را از روی تمام نسخ مکشوفه باصول انتقادی بانسخه بدل و تعالیق و توضیحات و حواشی برای طبع حاضر کنم و در آخر آن فرهنگ لغات و کلمات و مصطلحات و تعابیر خاص آنرا نیز بنویسم.

این کتاب علاوه بر فواید تاریخی و رجالی و مباحث دقیق تصوف مشحون است به کلمات و نوادر ادبی و لسانی که درک نکات و فواید آن برای هر کسیکه ادب و نثر قدیم زبان دری جستجو و کنجکاوی دارد خالی از دلچسپی و کمال میل و استفاده نخواهد بود زیرا ریشه های بسا از کلمات و الفاظ باصور کهن آن از این کتاب پدیدار می آید که هر نکته آن شامل فواید نهمار ادبی و لسانی است که درین جا فقط بدو کلمه هروی و صور کهنه آن اشاره می شود:

گازیارگاه :

در شمال هرات بفاصله دو میل جای مهشورست که مدفن شیخ الاسلام انصاری و بسا بزرگان دیگر علم و تصوفست و اکنون گازرگاه گویند ولی این نام در طبقات الصوفیه امالی انصاری مکرراً (کازیارگاه) آمده که گاهی املائی او باختلاف نسخ تغییر کرده مثلاً در نسخه خطی موثوق اقدم کتب خانه ناقد پاشای استانبول که در ۶۷۱ هـ نوشته شده کازیارگاه و در نسخه های نور عثمانیه استانبول (تحریر ۸۳۹ هـ) و نسخه جمعیت آسیایی کلکته (تحریر حدود ... نیز گاهی بهمان صورت گاهی کازرگاه کازیارگاه است که املائی نخستین آن ثقت و کثرت دارد و گاهی هر سه نسخه مذکوره در ضبطان متفق اند.

ازین اسناد پدید می آید که املائی قدیم این کلکه کازیارگاه بود که یاقوت هم همین املا را نوشته و در مراصد الاطلاع (ص ۳۳۴) کازیارکوه طبع کرده اند، سیفی هروی در تاریخ هرات همواره (کازرگاه) مینویسد (ص ۳۲۰ / ۴۱۷ / ۴۴۱) که در طبقات ناصری منهاج سراج نیز چنین است و همین املا در عصر بعد مغل رواج دارد. چنانچه در نسخ خطی جغرافی حافظ ابرو هم (کازرگاه) است و حضرت جامی نیز در نفحات مکرراً همین املا را آورده (ص ۳۱۸ / ۳۱۹ و غیره) و در عباس نامه ص ۱۰۹ هم کازرگاه است. جامی در قصیده وصف گازگاه گوید:

پیر هرات زبده انصاریان که سود
بر طاق چرخ قبه دهلیز او کلاه
گازرگهی است تربت او کابر مغفرت
در ساحتش سفید کندنامه سیاه

معین الدین اسفزاری ۸۹۹ هـ که خود وی در هرات میزیسته روضات الجنات را در اوصاف شهر هرات نوشته این کلمه را مکرراً باملائی (کازرگاه) می نویسد (ج ۱ ص ۴۳ / ۸۴ / ۸۵ / ۳۸۲) و باز تصریح میکند که درین حصراً جنگی در (۲۰۶ هـ) بین حمزه خارجی (سیستانی) و عبدالرحمن بن عبدالله حکمران نشاپور درگرفت و آنرا صحرای کازرگاه گفتند که به تحریف و غلط عوام به گازرگاه شهرت یافت. (روضات الجنات، ج ۲ ص ۵۰).

و بارتولد در جغرافیای تاریخی خود نیز همین قول اسفزاری را نقل نموده است (ص ۱۱۰). ولی این قول اسفزاری بنا بر قدامت املائی کازیارگاه مورد تأمل است و چنین بنظر می آید که نام گازرگاه غیر ازینجای هرات در بلاد دیگر هم موجود بود. جائی که تربت شیخ سعدی در شیراز واقع بود نیز گازرگاه نام داشت (برهان قاطع، ۱۷۶۳/۳) و نیز دهی از دهستان بکش در فهلیان فارس بهمین اسم نامیده میشود (فرهنگ جغرافی ایران ۷/۱۹۸).

بهر صورت اقوال انصاری در طبقات الصوفیه پدید می آید که کازیارگاه هرات از زمان قدیم معروف و مقرر مشایخ بزرگ و پرورشگاه ارباب ذوق و تصوف بود.

در نسخهای خطی طبقات ابن رجب (ج ۱ ص ۸۴) املائی آن (کاربارگاه) بود و مصحح نسخه مطبوعه آنرا باستناد قول یاقوت (کازیارگاه) ساخته^(۱) چون یاقوت خودش بلاد خراسان را دیدن کرده و درین مورد تصریح مینماید که (بعد الالف زای و یا مثناة و الف و رأ) بنا بران توان گلت که همین املائی نسخ طبقات الصوفیه اصیل و معتبر است.

تا وقتیکه سندی قدیمتر و استوارتر دیگر بدست نیاید، همین املا را مدار اعتبار توان شمرد.

خدابان :

این کلمه در هر سه نسخه خطی طبقات صوفیه در (ص ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۵۶) مکرراً خدابان نوشته شده که بر دال علامت شد را هم گذاشته اند و این نام جای بسیار مشهوریست در هرات که اکنون خیابان گوئیم. جامی نیز بجای آن خیابان آورده. که در زمان قدیم تا اواخر عصر غزنویان آنرا خدابان میگفتند (بیهقی، ج ۲/ ۷۱۸) در عرضه لشکر شهر هرات گوید: امیر مسعود لشکر خود را در دشت خدابان - هرات دید این کلمه را کاتبان او طابعان بیهقی به خدان مسخ کردند، ولی صحیح آن بدون شبهت خدابان است. که در تاریخ سیفی (ص ۴۴۱) در جمله مقاویر معروف هرات چون کازرگاه نام آن خیاوان چاپ شده و همچنان در (ص ۷۱۴) همین کتاب دشت خیادوان (?) هرات آمده که طابع آن کتاب ملتفت صورت صحیح آن نشده و علامت استفهام (?) را بران گذاشته است.

یاقوت این جای را بصورت قدیم خدابان بضم اول از نواحی هرات نوشته (معجم البلدان، ۲/ ۳۴۹) و بر حاشیه ص ۱۰۹ عباس نامه طاهر قزوینی خیادوان است اما در حبیب السیر و مطلع سعدین مکرراً خیابان آمده و در رساله طایری زیارتگاهی معاصر سلطان حسین میرزا بایقرا که نسخه خطی آنرا در لاهور نزد دکتور محمدشفیع دیده ام در وصف شهر هرات غزلیست که یک بت آن اینست:

خیابان پر زخوبان باد دایم
که فرع این جمال آمد کمالش
(ورق ۱۳)

در هر دو جلد روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات نیز مکرراً خیابان آمده و این بیت حضرت جامی را می آوید:

حدیث روضه مکن جای این نه بس مارا
که در سواد هری ساکن خیابانیم
(ص ۲۲ ج ۱)

اسفزاری در مدح خیابان هرات به تفصیل وارد گردیده و گوید:

"در همه زمان و ادیان معابد و عیدگاه و مقابر و نزهتگاه خواس و عوام بوده (چنانکه حالا مصلی و گشت جامی مسلمانانست و در زمان سابق او را (کوی خدایگان) میگفتند و بعبارة فرسی خدایگان پادشاه را گویند (ج ۱ ص ۸۶ روضات)".

چون در حصه جغرافی کتاب حافظ ابروی هروی نیز (خیابان) ضبط شده بنا بران میگوئیم ضبطهای قدیم این نام خدابان و خیادوان بوده و بعد از سنه ۸۰۰ ه آنرا خیابان نوشته اند. اما قول اسفزاری که این کلمه از (کوی خدایگان) گرفته شده باشد باز محل تأمل است زیرا از روی معاییر لسانی تخفیف یا ترخیم این کلمه به خدابان و باز خیادوان و باز خیابان بعید بنظر می آید و چون این کلمه را در فرهنگهای قدیم فارسی ضبط نکرده بنا بران قدامت آن بهمین شکل و اصل و ریشه آن در خور غور و تحقیق است و باید دید که اصل آن چه بوده و از کدام منبع نشئت کرده است^(۲).

مأخذ :

ذیل طبقات العنابله از عبدالرحمن بن شهاب الدین احمد بن رجب بغدادی حنبلی متوفی ۷۹۵ ه، طبع هنر لاووسپ دمشق، ۱۹۵۱ م (ج ۱، ص ۸۴. پنجاه مقاله، ۱۳۶۲ ش کابل، ص ۱۴۵ - ۱۵۰.